

دستور خط فارسی

دکتر اصغر شهبازی



نشر آریا

شهرگرد - ۱۳۹۶

سرشناسه:	شهبازی، اصغر، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور:	دستور خط فارسی / دکتر اصغر شهبازی.
مشخصات نشر:	شهرکرد: فرایاد، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۲۴۴ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۶۴-۴-۹
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۲۳۳.
موضوع:	خط فارسی
موضوع:	خط فارسی -- تاریخ
موضوع:	خط فارسی -- راهنمای آموزشی
ردیف پند:	۱۳۹۵ ۹۵۵ ش / PIR ۲۷۲۱
ردیف پند:	۱/۷ فا ۴
شماره کتابشناسی ملی:	۴۴۸۹۳۷۰



● دستور خط فارسی

- ☐ پدیدآورنده: دکتر اصغر شهبازی
- ☐ حروف‌نگار: نشر فرایاد
- ☐ صفحه‌آرا: هاجر حسن‌زاده
- ☐ لیتوگرافی: سروش
- ☐ چاپ: نقشینه
- ☐ شمارگان: هزار نسخه
- ☐ چاپ نخست: ۱۳۹۶
- ☐ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۶۴-۴-۹
- ☐ آدرس: شهرکرد، خیابان دوازده محرم جنوبی، کوچه ۱۳، پلاک ۴۵
- ☐ تلفن: ۰۳۸۳۳۳۸۹۲۳۴

فهرست مطالب

□ عنوان	□ صفحه
پیش‌گفتار	۱۳
مقدمه	۱۷
فصل اول: تاریخ زبان و خط فارسی	۲۹
زبان‌ها از حیث خویشاوندی	۳۱
خانواده زبان فارسی	۳۲
۱- دوره باستان	۳۲
۱-۱- زبان‌های شرقی و شمال شرقی	۳۳
۱-۲- زبان‌های مرکزی و غربی	۳۷
۱-۳- زبان‌های جنوبی	۳۸
۱-۴- سایر زبان‌های رایج در ایران باستان	۳۹

- ۳۹..... ۱-۴-۱- سومری
- ۳۹..... ۲-۴-۱- عیلامی
- ۴۰..... ۳-۴-۱- اکدی (بابلی- آشوری)
- ۴۱..... ۴-۴-۱- آرامی
- ۴۲..... ۵-۴-۱- سریانی
- ۴۲..... ۲- دوره میانه
- ۴۳..... ۱-۲- زبان‌های ایرانی میانه شرقی
- ۴۳..... ۲-۱-۱- سانساری
- ۴۳..... ۲-۱-۲- کاپی میانه
- ۴۴..... ۳-۱-۲- خوارزمی میانه
- ۴۵..... ۴-۱-۲- بلخی
- ۴۵..... ۲-۲- زبان‌های ایرانی میانه غربی
- ۴۶..... ۱-۲-۲- شاخه شمالی (پارتی)
- ۴۷..... ۲-۲-۲- شاخه جنوبی (پهلوی)
- ۴۸..... آثار بازمانده از زبان پارسی میانه
- ۴۸..... الف) سنگ‌نوشته‌ها و نقش‌نوشته‌ها
- ۴۸..... ب) ترجمه مزامیر داوود
- ۴۸..... ج) متون مانوی
- ۴۹..... د) متون دینی زردشتی
- ۴۹..... ه) متون غیردینی
- ۴۹..... ۳- دوره جدید
- ۵۴..... ۱-۳- زبان‌ها یا گویش‌های شرقی
- ۵۴..... ۳-۱-۱- پشتو
- ۵۴..... ۳-۱-۲- یمنایی
- ۵۴..... ۳-۱-۳- منجانی

۵۴	۳-۱-۴-ارموری
۵۴	۳-۱-۵-پامیری
۵۴	۳-۱-۶-زبان آسی
۵۵	۳-۲-زبان‌ها یا گویش‌های غربی
۵۵	۳-۲-۱-تالشی
۵۵	۳-۲-۲-گیلکی
۵۵	۳-۳-طبری
۵۵	۳-۴-رچی
۵۵	۳-۵-کردی
۵۵	۳-۳-زبان‌ها یا گویش‌های جنوبی
۵۵	۳-۱-۳-فارسی
۵۶	۳-۲-۳-کومزاری
۵۶	۳-۳-۳-تاتی
۵۶	۳-۴-۳-لری
۵۷	۳-۴-زبان‌ها یا گویش‌های نواحی مرکزی
۵۷	۳-۵-زبان‌ها یا گویش‌های ایالت فارس
۵۷	تاریخ خط فارسی
۵۷	۱-خط میخی
۵۹	۲-خط پهلوی
۶۰	۳-خط اوستایی
۶۱	۴-خط فارسی

۶۵	فصل دوم: ویژگی‌های خط فارسی
۶۷	تعداد حروف الفبای خط فارسی
۷۱	نکاتی درباره برخی از حروف الفبای فارسی

- ۱- همزه «ا» (الف مهموزه) و مصوت بلند «آ» (الف ممدوده)..... ۷۱
- ۲- مصوت «او»..... ۷۳
- ۳- مصوت «ای»..... ۷۴
- ۴- مصوت‌های مرکب..... ۷۵
- ۵- واو معدوله..... ۷۶
- ۶- دال، و ذال..... ۷۶
- ویشی‌های خط فارسی..... ۷۷
- ۱- چند رسم‌نماده یک واج است..... ۷۷
- ۲- یک حرف نماینده چند واج است..... ۷۹
- ۳- برخی از واج‌ها حرف اختصاصی ندارند..... ۸۲
- ۴- وجود حروف انحراف..... ۸۴
- ۵- وجود حروف چندصفتی..... ۸۴
- ۶- وجود حروف ترکیبی..... ۸۶
- ۷- وجود نشانه‌های ثانوی..... ۸۶
- ۸- وجود حروف پیوندپذیر و پیوندناپذیر..... ۸۷
- ۹- تنوع خط‌ها..... ۸۷
- ۱۰- چپ‌نویسی اعداد..... ۸۸
- ۱۱- وجود کلمات دواملائی..... ۸۸
- ۱۲- وجود کلمات دوتلفظی..... ۸۹
- ۱۳- وجود کلمات متشابه..... ۹۰
- ۱۴- وجود نامطابق‌های املائی و فرایندهای واجی..... ۹۵
- ۱۵- وجود گونه‌های آزاد..... ۱۰۲
- ۱۶- دادوستد گسترده با زبان‌های دیگر..... ۱۰۳

- فصل سوم: دستور خط فارسی ۱۰۵
- زبان و خط ۱۰۷
- تفاوت‌های زبان و نوشتار ۱۰۸
- دستور خط ۱۰۹
- اصول کلی دستور خط فارسی ۱۱۱
- نویسه‌نامه املائی حروف، واژگان و ترکیبات خط فارسی ۱۱۴
- ۱- املائی الف (ا، آ) و همزه عربی ۱۱۴
- ۲- املائی ب (ب، پ) (مقصوره) ۱۲۳
- ۳- املائی کلمات مختوم به مصوت بلند «آ» ۱۲۶
- ۴- املائی کلمات مختوم به مصوت بلند «او» ۱۲۷
- ۵- املائی کلمات مختوم به مصوت بلند «ای» ۱۲۸
- ۶- املائی کلمات مختوم به مصوت کوتاه «ا» ۱۲۹
- ۷- املائی کلمات مختوم به مصوت بلند «و» ۱۲۹
- ۸- املائی کلمات مختوم به مصوت « / » (های غیرملفوظ) ۱۳۰
- ۹- املائی کلمات مختوم به مصوت مرکب «او/آو» aw/ow ۱۳۳
- ۱۰- املائی کلمات مختوم به مصوت مرکب «ای/آی» ۱۳۳
- ۱۱- املائی «م، ی، یم، ید، ند» و «است» ۱۳۴
- ۱۲- املائی «م، ت، ش، مان، تان، شان» ۱۳۷
- ۱۳- املائی «ات» جمع ۱۳۹
- ۱۴- املائی «ان» جمع ۱۴۰
- ۱۵- املائی «های» جمع ۱۴۰
- ۱۶- املائی اعداد در متن ۱۴۱
- ۱۷- املائی «این» و «آن» ۱۴۳
- ۱۸- املائی «ای» ۱۴۴
- ۱۹- املائی اجزای پیشین فعل (ب ن ف) ۱۴۴

- ۲۰- املای «نبل» ۱۴۵
- ۲۱- املای «به» ۱۴۶
- ۲۲- املای «بی» ۱۴۸
- ۲۳- املای «بیا»، «پاییز» و ... ۱۴۸
- ۲۴- املای «ة» عربی ۱۴۸
- ۲۵- املای «تر» و «ترین» ۱۵۱
- ۲۶- املای تنوین ۱۵۱
- ۲۷- املای «سرس» «توفان» و ... ۱۵۲
- ۲۸- املای «جزء»، «جزء»، «جزء» ۱۵۴
- ۲۹- املای «حزب» ۱۵۴
- ۳۰- املای «درد» «زاد» و ... ۱۵۵
- ۳۱- املای «دوم»، «سوم»، «سی» ۱۵۵
- ۳۲- املای «را» ۱۵۶
- ۳۳- املای حروف ربط و اضافه ۱۵۶
- ۳۴- املای «س» و «ش» کشیده ۱۵۶
- ۳۵- املای «کاووس»، «داوود» و ... ۱۵۷
- ۳۶- املای «که» ۱۵۷
- ۳۷- املای «گزاردن» و «گذاردن» ۱۵۸
- ۳۸- املای کلمات مرکب و مشتق مرکب ۱۶۷
- ۳۹- املای کلمات مشتق ۱۷۳
- ۴۰- املای کلمات مشدد ۱۷۶
- ۴۱- املای مصادر صناعی عربی ۱۸۲
- ۴۲- املای «می» و «همی» ۱۸۲
- ۴۳- املای «نه» ۱۸۳
- ۴۴- املای کلمات مختوم به «های ملفوظ» ۱۸۳

- ۴۵- املاى هفده و هجده ۱۸۳
- ۴۶- املاى «هم» ۱۸۴
- ۴۷- املاى «هيچ»، «همه» و «هر» ۱۸۴
- ۴۸- املاى ياي نكره، مصدرى و نسبت ۱۸۵
- ۴۹- املاى «وليكن» و «ولكن» ۱۸۸
- ۵۰- املاى كلمات و تركيبات دخيل عربى ۱۸۸
- ۵۱- املاى الف و لام (ال) عربى در فارسى ۱۹۰
- ۵۲- املاى مصدر نماى اضافه ۱۹۲
- ۵۳- املاى كلمات دواى ۱۹۲
- ۵۴- املاى در نسبت عربى ۱۹۶
- ۵۵- املاى غلطى مشهور ۱۹۷
- ۵۶- املاى كلمات املايى ۲۰۱
- ۵۷- املاى كلمات دخيل عربى ۲۰۴
- ۵۸- املاى كلمات فارسى به خط اوان ۲۰۷
- ۵۹- قواعد استفاده از علائم سجاوندى ۲۰۹
- الف) نقطه (.) Fullstop/Dot ۲۱۰
- ب) سه نقطه و چهار نقطه (...) Ellipsis ۲۱۲
- ج) بند يا كاما (,) Comma ۲۱۳
- د) نشانه پرسش (؟) Question mark ۲۱۵
- ه) نشانه جمله‌هاى عاطفى (!) Exclamation mark ۲۱۶
- و) نقطه‌بند (؛) Semicolon ۲۱۷
- ز) خط فاصله و ممتد (-) Dash ۲۱۸
- ح) دونقطه (:) Colon ۲۲۱
- ط) نشانه نقل (گيومه) « » Guillemot ۲۲۲
- ی) قلاب (كروشه) [] Brackets ۲۲۴

۲۲۵	Parentheses () کمانک (ک)
۲۲۶	 Slash / ممیز (ل)
۲۲۷	 Asterisk (*) ستاره (م)
۲۲۷	 Arrow (←) پیکان (ن)
۲۲۸	 Accolade { } دو ابرو یا آکلاد (ع)
۲۲۸	 Equality sign = تساوی (ف)
۲۲۹	 دو ابرو یا مد (ص)
۲۲۹	 دو خط مورب (ق)
۲۲۹	 سه نقطه (ر)
۲۳۰	 ۶۰- قواعد استفاده از: لایم اختصاری و ویراستاری
۲۳۳	 فهرست منابع و مآخذ

پیش‌گفتار

شاید بعضی از کسانی که نام این بنده را بر پیشانی این کتاب می‌بینند، ندانند که بیش از دو دهه است که به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغولم. در طول این مدت، بارها دست‌زبان، آیین نگارش، تاریخ زبان فارسی و دروسی نظیر این‌ها را تدریس کرده‌ام و تقریباً با آن‌ها مانوس بوده‌ام و از همین روی با مشکلات و کمالات، فرصت‌ها و دشواری‌های این دروس آشنا هستم. بارها می‌دیدم که دانشجویان و معلمان از مشکلات خط فارسی شکوه می‌کردند که بهرایی رفع مشکلاتی نظیر جدانویسی و سرهم‌نویسی در خط فارسی، تصمیم واحدی گرفته نمی‌شود و چرا و چرا؟ بنده هم از جهاتی به آنان حق می‌دادم؛ به‌ویژه آن‌که می‌دیدم با این همه امکانات مادی و معنوی، هنوز بر سر جدانویستن یا سرهم‌نویستن علامت‌های جمع، «تر» و «ترین» اختلاف‌نظر وجود دارد و هنوز یک دستور خط جامع در زبان فارسی وجود ندارد و

آن چه وجود دارد، مجموعه‌های فاقد وحدت رویه، انسجام است. به هر روی، خوب که نگاه می‌کردم، می‌دیدم بعضی به بهانه دفاع از خط و زبان فارسی و دراصل احتیاط‌های آمیخته به وسواس نگذاشته‌اند در این زمینه گام‌های اساسی برداشته شود و بعضی به نام پیشرفت و نگرایی و دراصل شتابزدگی، خواسته‌اند یکی از تجلیگاه‌های فرهنگ و ادب هزارساله این مملکت را یک‌شبه تغییر دهند. درواقع عده‌ای از آن طرف و عده‌ای از این طرف افتاده‌اند. عده‌ای جدانوشتن تمام کلمات، حتی «پیشرفت»، «بهداشت»، «رویداد»، «گلاب»، «مهتاب»، «دستمال»، «هن»، «همانگ»، «مهر» و... را، راه رفع تمام مشکلات خط فارسی می‌دانند. عده‌ای پیوسته‌نوشتن اغلب کلمات، حتی «میرود»، «بمدرس» و...؛ و این داستانی است که هر کس در آن اندکی تأمل کند، افراط را در بردارد. می‌بیند، گویی مسابقه‌ای است که هر کس می‌خواهد در آن سوی سبقت را از دیگری برباید و در این گیرودار آن چه از همه مظلوم‌تر است، خط فارسی است؛ البته در این میان بوده‌اند کسانی که ماهیت و ساختار زبان و خط فارسی را شناخته‌اند و همواره از اعتدال و میانه‌روی در این زمینه سخن گفته‌اند؛ کسانی که اگر قرار باشد روزی کار جامعی درباره خط فارسی صورت گیرد، مبانی نظری کار، دیدگاه‌های ایشان است؛ به این دلیل که ایشان همواره از ساختار ترکیبی زبان و خط فارسی سخن گفته‌اند و می‌دانند که زبان فارسی از ترکیب و اشتقاق به‌خوبی بهره می‌برد. در این زبان معمولاً و به‌راحتی از ترکیب دو یا چند تکواژ، واژه جدید ساخته می‌شود، اما نکته این‌جاست که وقتی قرار می‌شود آن واژه در خط نشان داده شود؛ یعنی نوشته شود، ساختار خط فارسی که در آن دنباله برخی از

حروف روی خط زمینه کشیده می‌شود و تفکراتی نظیر راحتی و زحمت کم‌تر، نوعی پیوسته‌نویسی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و از همین جاست که پیوسته‌نویسی و مشکلات مربوط به آن شروع می‌شود و پیشینه آن به گذشته‌های دور؛ یعنی آغاز اخذ و اقتباس الفبای عربی برای نوشتن زبان فارسی برمی‌گردد و امروزین هم نیست و به همین دلیل هم یک‌روزه «خارج» اشتنی نیست. ترکیب و پیوسته‌نویسی در این خط با هم گره خورده‌اند و باید با آن، منطقی و عالمانه برخورد کرد؛ یعنی اصولی پیشنهاد و وضع کرد که تا آن‌جا که امکان دارد، ساختار ترکیبی زبان و راحتی تلفظ و نوشتن را تهدید نکند و اصلی‌تر آن که موجب گسستن ما از آثار علمی، ادبی و تاریخی گذشته نشود.

باری، نگارنده حرب را در برابر این مشکلات و نگاه‌های ملتسمانه دانشجویانی که در این سال‌ها با آن روبه‌رو بوده است، مسؤول می‌دانست و به همین دلیل تصمیم گرفت راه میانه را برگزیند و وارد این عرصه شود و کتابی در این زمینه تألیف کند؛ کتابی که اصلی‌ترین مشکلات و ویژگی‌های خط فارسی را بر بگردد؛ جنبه آموزشی و تعلیمی داشته باشد و در آن استثنا کم‌تر یافت شود و همه مهم‌تر با اصول کلی زبان و خط فارسی سازگار باشد؛ البته معلوم بود تألیف چنین کتابی زمان بسیاری می‌طلبد و به همین دلیل هم جمع‌آوری و تألیف این کتاب، قریب به ده سال به درازا کشید. یکی به آن سبب که گسستن و دیگر این‌که تا می‌خواستم کتاب را چاپ کنم، کسی یا سازمانی، مجموعه‌ای یا شیوه‌نامه‌ای چاپ می‌کرد و من منتظر می‌ماندم تا ببینم اگر دیگران هر آن‌چه را که باید بگویند، گفته‌اند، دست نگه دارم اما وقتی می‌دیدم که باز:

الدَّرّ فی صدف و الخمر فی خزف و النور فی ظلم و الحور فی سُمَل
در این راه مصمّم می‌شدم؛ به‌ویژه وقتی می‌دیدم هنوز برای جدانوشتن یا
سرهم‌نوشتن علامت‌های جمع استثنا قائل شده‌اند و ...

به هر ترتیب خداوند یاری کرد و این کتاب را که یکی از ثمرات کار
پرهشگری و معلّمی بنده است فراهم آمد، به این امید که این عمل،
بخش مورد رضای حق تعالی قرار گیرد و سپس مورد عنایت مردم،
«انشجویان» - معلمان واقع شود که بیشتر دنبال کتاب‌های جامع و مانع
هستند

در آخر هم «تاریخ» بی آن که ادعای فضل و کرامت داشته باشد، بر
خود لازم می‌داند از تمام کسانی که در این مدت با وی همکاری و
همفکری داشته‌اند، یاد کند؛ به‌ویژه استاد فقید «دکتر محمدجواد
شریعت» که حقیقتاً از کسانی بود که زبان و خط فارسی را به‌خوبی
می‌شناخت و بدعت‌های بی‌پایه را بی‌تافت و من از خداوند منان برای
ایشان، غفران و برای همه دوست‌داران زبان و خط فارسی نیک‌فرجامی
آرزو می‌کنم. از همسر و فرزندان نیز تشکر می‌کنم که صبورانه بنده را در
نوشتن این کتاب، تحمل کردند و امیدوارم خداوند با اشی درخور به
ایشان عطا کند.

والحمد لله رب العالمین

اصغر شمانی

زمستان ۱۳۹۵ هجری شمسی

مقدمه

دستور خط فارسی، در معنی خردۀ دانشی که دربارهٔ رسم الخط فارسی؛ یعنی شیوۀ نوشتن کلمات ترکیبات، ویژگی‌ها و دشواری‌های خط فارسی بحث می‌کند، تقریباً قدمتی صدساله دارد؛ اگر چه در گذشته نیز کسانی به صورت پراکنده و ضمنی، در این باره سخن گفته‌اند که از آن جمله‌اند «شمس‌الدین محمد بن محمود آملی» که در فنّ اول از مقالهٔ اول «نفایس‌الفنون» دربارهٔ املائی پاره‌ای از کلمات سخن گفته و «محمدحسین بن خلف تبریزی» که در دیباجة «برهان قاطع» دربارهٔ چگونگی نوشتن برخی از حروف و کلمات مطالبی بیان کرده است، اما ظاهراً تا آن‌جا که اطلاع داریم نخستین رسالۀ مدوّن در باب املائی فارسی، رسالۀ ای است به نام «تنبيه الادباء» از «حاج محمدکریم خان کرمانی» (متوفای ۱۲۸۸

هق.) که در سال ۱۲۷۳ هق. برای فرزندش تألیف کرده است. پس از ایشان، دستورنویسان و فرهنگ‌نویسان هستند که در ابتدای آثار خود مطالبی دربارهٔ املائی خط فارسی نوشته‌اند.

به هر روی، تقریباً از دورهٔ ناصرالدین‌شاه بحث‌هایی دربارهٔ خط فارسی مطرح شده و افرادی همچون «میرزا ملکم‌خان»، «آخوندزاده»، «طالبوف»، «میرزا رضاخان افشار»، «میرزا رضاخان ارفع‌الدین»، «میرزا علی‌محمدخان اویسی» دربارهٔ خط فارسی و نارسایی‌های آن سخن گفته‌اند و حتی برخی همچون «آخوندزاده» علت عقب ماندگی ایرانیان را استفاده از خط عربی دانسته‌اند.

بعد از دوره قاجار و در دورهٔ حکومت پهلوی نیز این بحث ادامه یافته و «تقی‌زاده»، «رشد یاسمی» (مقالهٔ اشکال خط فارسی) «سعید نفیسی»، «علی ششدر»، «لطفعلی صورتگر»، «مصطفی مقرّبی»، «محمدتقی بهار»، «محمدتقی داعی‌الاسلام»، «حسین رضاعی»، «احمد بهمنیار»، «ابراهیم پورداود»، «احمد کسروی»، «صادق هدایت»، «ابوالقاسم آزاد مراخی»، «عبدالعلی ارسطا»، «یحیی ذکاء» از کسانی هستند که دربارهٔ خط فارسی مقاله و رساله نوشته‌اند و از این جمع، «بهمنیار» کسی است که با نخستین مقاله «املائی فارسی»، به‌عنوان خطابهٔ ورودی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۱۴ هـ.ش. پایه‌گذار شیوهٔ جدید املائی خط فارسی می‌شود و مقالهٔ او سرمشق نوشتن دستورالعمل‌ها و کتاب‌هایی از این نوع می‌گردد و این بحث در سال ۱۳۳۶ هـ.ش. باز

به صورت گسترده‌تری مطرح می‌شود؛ به‌خصوص وقتی «ابراهیم گرانفر» در کتاب «لزوم قطعی تغییر خط» بر تغییر خط فارسی و استفاده از الفبای واج‌نگار تأکید می‌کند. چاپ آن کتاب، پاسخ‌های تند افرادی همچون «علی‌اکبر شهابی» را برمی‌انگیزد و عملاً سال ۱۳۱۸ ه.ش. را به سال اوج بحث‌های داغ پیرامون رد یا قبول خط فارسی تبدیل می‌کند. نشریات ادبی کشور نیز با آب‌وتاب تمام به این موضوع می‌پردازند. برای مثال مجله «سخن» کل شماره‌های دورهٔ دوم (سال ۱۳۳۱ ه.ش.) را به موضوع اصلاح و تغییر خط فارسی اختصاص می‌دهد و در قالب میزگردهای مطبوعاتی، نظر افرادی همچون «عیسی»، «مینوی»، «جمالزاده»، «مقرب»، «زرین‌کوب» و «خانلری» را رویا می‌شود و درج می‌کند. از شاخص‌ترین افرادی که در این دوره در این باره سخن گفته‌اند، می‌توان به «محمد پروین گنابادی»، «ذبیح بهروز»، «شاهرخ شاهرخی»، «علی‌اکبر شهابی»، «پرویز نائل خانلری»، «مجتبی مینوی»، «محیط طباطبایی»، «حبیب یعمایی»، «بیح‌الله صفا»، «رحمت مصطفوی»، «خسرو فرشیدورد»، «عبدالاحسین رامری»، «محمود شفیعی»، «عبدالله رهنما»، «محمد کیوان»، «کریم روشنان»، «علی راهجیری»، «محمد مقدم» و «جلیل دوستخواه» اشاره کرد.

به هر ترتیب، جنجال مطبوعاتی دههٔ چهل فروکش کرد، اما در آستانهٔ دههٔ پنجاه دوباره بحث تغییر خط فارسی مطرح شد و

طرفداران خط فارسی، موافقان تغییر خط را با عناوین «خیانتگر» و «آشوبگر» معرفی کردند و در مقابل، طرفداران تغییر خط نیز بیکار ننشستند و حتی مدرسه‌ای برای آموزش زبان فارسی به خط لاتین تأسیس کردند (ر.ک. روزنامه اطلاعات، چهارم آذر ۱۳۵۰ ه.ش). در نهایت این بحث با مخالفت وزیر آموزش و پرورش وقت (فتح‌رو پارسا) متوقف شد.

بعد از این قطع و در دهه شصت، این بحث، نه با آن شدت، دوباره مطرح شد. به‌ویژه آن‌که بزرگان و صاحب‌نظرانی همچون «خسرو فرسیدور» در مقاله «اصلاح شیوه نگارش» و «علی‌اشرف صادقی»، در مقاله «رسم الخط فارسی» و «محمد رضا باطنی» در کتاب «زبان و تفکر» به بیان مطالبی در این زمینه پرداختند و لزوم توجه به قواعد خط فارسی را یادآور شدند.

به دنبال آن بحث‌ها و ناهماهنگی‌های به‌وجودآمده در رسم الخط کتاب‌های درسی و مجلات و نشریات، فرهنگستان زبان و ادب فارسی از اوایل دهه هفتاد، با تشکیل کارروهی مرکب از استادان و بزرگان همچون «محمد رضا باطنی»، «جواد حدادی»، «علی محمد حق‌شناس»، «حسین داودی»، «اسماعیل سعادت»، «احمد سمیعی»، «جعفر شعار»، «علی‌اشرف صادقی»، «مصطفی سقری»، «ابوالحسن نجفی»، «احمد آرام»، «عبدالحمید آیتی»، «نصرالله پورجوادی»، «احمد تفضلی»، «بهاءالدین خرمشاهی»، «محمد خوانساری»، «علی رواقی»، «بهمن سرکاراتی»، «حمید فرزاد»،

«بدرالزمان قریب»، «فتح‌الله مجتبایی»، «مهدی محقق»، «حسین معصومی همدانی»، «سلیم نیساری» پیش‌نویس اولین دستور خط فارسی سازمانی را در سال ۱۳۷۷ ه.ش. برای دریافت پیشنهادها و نظرات استادان و صاحب‌نظران منتشر کرد و بعد از اصلاحاتی آن را در تاریخ ۱۳۸۰/۴/۳۰ ه.ش. به تصویب رساند که خوش‌بختانه با تصویب آن، بخشی از نگرانی‌های دوست‌داران و طرفداران اصلاح خط فارسی برآورده یافت و تقریباً صحبت از تغییر خط فارسی منتفی گردید. اما زشتی دستور خط فارسی منتفی نگردید، به این دلیل که دستور خط فرهنگستان در مواردی دچار کاستی‌ها و دوگانگی‌هایی بود، از جمله این که در این کتاب، تعداد و ترتیب حروف الفبا، بحث همزه در کلمات فارسی و عربی، چگونگی ضبط کلمات دخیل غیرعربی و کاربرد علامت نگارشی به‌خوبی تبیین نشده بود و همین عوامل سبب شد بعد از انتشار آن کتاب، تا کنون چندین شیوه‌نامه و مقاله مفصل در این زمینه چاپ و منتشر گردد و اتفاق عجیب‌تر آن بود که پیش از آن که فرهنگستان دستور خط فارسی را منتشر کند، کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی آموزش و پرورش به‌کلی تغییر کرد، اما آموزش و پرورش مطابق با شیوه‌نامه‌ای جداگانه، کتاب‌های درسی را چاپ و منتشر کرد و در آن کتاب‌ها از شیوه‌نامه خود پیروی کرد؛ شیوه‌نامه‌ای که در بسیاری از موارد با مصوبات دستور خط فرهنگستان تفاوت داشت؛ از جمله استفاده از شکل بزرگ یای میانجی به جای شکل کوچک،

استفاده از نیم‌فاصله در نوشتن کلمات مرکب به جای اتصال اجزاء، جدانویشتن علامت‌های جمع در همه کلمات حتی آن‌ها و این‌ها و... و از این طریق دوگانگی عجیبی بین نسل دانش‌آموز و معلم، دانشجو و استاد پدید آمد و باز همین عوامل، فرهنگستان زبان و ادب فارسی را مجبور کرد که در سال ۱۳۹۱ هـ.ش. گروهی به نام گروه «آموزش زبان و ادبیات فارسی» در فرهنگستان تشکیل دهد و از آن گروه بخشد تا آموزش و پرورش را مکلف کند که کتاب‌های درسی را بر اساس همان «دستور خط فارسی» فرهنگستان، ویرایش و چاپ کند. این کار از سال ۱۳۹۲ هـ.ش. شروع شده و در این مدت کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی دبیرستان، مطابق با شیوه‌نامه فرهنگستان تغییر کرده که البته خود این تغییر نیز موجب دوگانگی دیگری شده است.

در هر صورت، فهرست قریب به ۲۴۵۹ کتاب و مقاله تا سال ۱۳۵۶ هـ.ش. و قریب هزار کتاب و مقاله از آن تاریخ به بعد، نشان می‌دهد که بحث رسم‌الخط فارسی، بحث پرده‌های است.

مهم‌ترین موضوعاتی که در این مقالات و کتاب به صورت مشترک دیده می‌شود، در چند عنوان اصلی خلاص می‌شود که عبارت‌اند از:

۱- اشکالات خط فارسی؛

۲- اصلاح خط فارسی؛

۳- تغییر خط فارسی؛

۴- استفاده از الفبای لاتین برای نوشتن زبان فارسی؛

۵- نقد دیدگاه‌های مخالف و موافق؛

۶- چگونگی نوشتن همزه، واژگان و ترکیبات فارسی و بعضاً

کلمات دخیل عربی و غیرعربی.

به دیگر سخن، عصاره تمام این بحث‌ها این است که خط فارسی اشکالات عدیده‌ای دارد، یا باید برای رفع آن‌ها کوشید، یا خط را تغییر داد. بحث استفاده از خط لاتین به جای خط فارسی نیز از موضوعاتی است که طرفداران تغییر خط، بدان توجه داشته‌اند، اما در همین بحث‌ها، وضوحی که همیشه طرفداران خط فارسی بر آن اصرار داشته‌اند، درک واقعیت است.

خط فارسی برگرفته از خط عربی است که آن خط هم از خط کوفی اخذ شده و برای نوشتن زبان عربی به کار رفته است. ایرانیان، با پذیرش دین اسلام، یکی از راه‌های نزدیک کردن خود به زبان و خط قرآن را گرفتن خط عربی برای نوشتن زبان فارسی می‌دانستند؛ بنابراین از خط عربی، خطی برای نوشتن زبان فارسی ساختند؛ مثلاً با گذاشتن سرکج، حروف کاف و گاف را ساختند و با گذاشتن نقطه، حروف پ، ت، چ و... را؛ یعنی تقریباً و با وجود اختلافاتی همان کاری را سامان دادند که پیش از اسلام و در زمان هخامنشیان، ایرانیان با خط میخی بابلی انجام داده بودند و یا در دوره ساسانی از خطوط آرامی، خط پهلوی و اوستایی را ساختند و هیچ‌گاه اکراه نداشتند که بگویند اصل این خط‌ها از میان‌رودان است یا از

آرامی‌ها، اما متأسفانه اقتباس خطّ عربی، بر عکس خطّ میخی و اوستایی، تحت برنامه منظم و مدوّنی صورت نگرفت و اصلاح آن حدود ده قرن به تأخیر افتاد و در این ده قرن، شمار زیادی کتاب و رساله و مقاله در زمینه‌های گوناگون به آن تألیف شد. کتاب‌ها و رسالات و مقالاتی که برخی از آن‌ها پیشینه علمی و فرهنگی یک کشور را کفایت می‌کند؛ بنابراین واقعیت این است که این خط با همه این مشکلات بیش از هزار و صد سال است که در این کشور بالیده و در سده‌های گذشته، آثار ارزشمندی بدان تألیف شده است؛ سده‌هایی که هیچ‌یک از امکانات امروزی وجود نداشت، اما هیچ‌گاه هم از خطّ فارسی و رسایی‌های آن سخن به میان نیامد و تهدیدها به فرصت‌ها تبدیل شد؛ یکی به آن خط، آثاری عرضه شد که عالمان و دوست‌داران دانش به‌رور بودند آن خط و زبان را یاد بگیرند تا بتواند از آن آثار استفاده کنند بنابراین مشکلات امروز ما ناشی از خطّ ما نیست و آن را باید در جای دیگر یافت. اگر ما امروز هم مثل گذشته، تولیدکننده علم باشیم و به همین خط و زبان، آثاری پدید آوریم، مسلماً دوست‌داران علم و دانش، به‌رور خواهند شد این خط و زبان را یاد بگیرند.

خطّ فارسی، با همه نارسایی‌ها یکی از خط‌های مهم جهان است که آثاری ارزشمند به آن تألیف شده است و اشکالاتی مانند وجود چند حرف برای یک واج یا یک حرف برای چند واج، در بیشتر خطوط جهان وجود دارد و مباحثی مثل اتصال و انفصال هم دراصل

اشکال و ایراد نیستند و حتی در خطی مثل خط انگلیسی نیز که بر مبنای جدانویسی است، هنگام نوشتن با الفبای جدید، حروف را به هم می‌چسبانند و این موضوع در خط فارسی، امروزه با استفاده از فاصله و نیم‌فاصله در اصطلاح رایانه‌ای، حل شده است؛ وانگهی نباید سرنوشت خط فارسی را به سرنوشت خط عربی گره زد. کافی است تغییراتی را که ایرانیان در خط عربی ایجاد کرده‌اند تا خط فارسی را اخذ کنند، دنبال کنید، آن وقت متوجه خواهید شد که در این اخذ و اقتباس نیز جلای خاصی از هوش و فراست ایرانی نهفته است.

به هر ترتیب، فرض این مقدمات آن است که بگوییم پیشینه نوشتن دربارهٔ رسالت خط کتابت فارسی و اشکالات خط فارسی بیشتر مربوط به دوران معاصر است، و با همهٔ تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه، هنوز ما از سلسلهٔ یک دستور خط جامع، حتی سازمانی محرومیم؛ دستوری که در آن خط فارسی، ویژگی‌ها و چگونگی نوشتن کلمات و ترکیبات فارسی سخن به میان آمده و عمده‌ترین مباحث بحث‌انگیز و موردنیاز مردم را دربر داشته باشد و مثلاً مردم با مراجعه به آن بتوانند بفهمند که «...» را چگونه بنویسند، تعداد دقیق حروف الفبا را پیدا کنند و چگونگی نوشتن و ضبط کلمات دخیل و... را بیابند.

با توجه به چنین کمبودهایی، نگارنده بر خود وظیفه دانست که در حد وسع و توان وارد این عرصه شود و کتابی در این زمینه تألیف کند؛ کتابی که عمده‌ترین مباحث خط فارسی را در بر بگیرد؛